

توضیح: آنچه در پی می‌آید متن سخنرانی رفیق فریبرز سنحری در رابطه با بحران جاری در فلسطین است که در تاریخ یکشنبه ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ در اتاق چریک‌های فدایی خلق ایران (بذرهای ماندگار) در کلاب هاوس ایراد شده است. این سخنرانی از حالت گفتار به نوشتار تبدیل و با برخی ویرایش‌های جزئی به این ترتیب به نظر علاقه‌مندان می‌رسد.

مردم فلسطین در تقابل با صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی

با درود های گرم به همه حاضرین در جلسه و تشکر از مسئولین اتاق بذرهای ماندگار که امکان بحث و گفتگو با شما عزیزان را در مورد یکی از رویدادهای مهم وضعیت کنونی در خاورمیانه فراهم کردند.

همانطور که می‌دانید عنوان بحث امروز در باره تقابل مردم فلسطین با صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی می‌باشد. درگیری‌های حماس و اسرائیل و حملات وحشیانه ارتش اسرائیل به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین واقعیتی است که امروز ذهن همه رو در سراسر جهان به خود مشغول کرده و ما شاهد تظاهرات‌های انبوه مخالفین این جنایت و کشتار در شهرهای مختلف آمریکا و اروپا و خاورمیانه هستیم. ارتش اسرائیل با بمباران و کشتار مردم نوار غزه هر روز تعداد بیشتری از مردم فلسطین رو به قتل می‌رساند. الان که من با شما دارم صحبت می‌کنم طبق آمارهائی که منتشر شده، بیش از چهار هزار فلسطینی کشته شدند و بیش از ده هزار نفر مجروح شده‌اند، ارقامی که هر روز -و یا بهتره که بگویم هر ساعت چون دقیق تره- این ارقام در حال افزایشه و تعداد بیشتری از مردم فلسطین به دست ارتش اسرائیل نابود می‌شوند. با توجه به این واقعیات قبل از شروع صحبت‌م مایل‌م در همبستگی با مردم تحت ستم فلسطین یاد و خاطره همه آنهائی که جانشان را در راه آرمانهای برحق مردم فلسطین فدا کردن راگرامی بدارم؛ یعنی یاد هزاران زن و کودک و پیر و جوانی که در طول سالها توسط صهیونیستها خونشان به زمین ریخته شد و جانشان رو از دست دادند. در ۷۵ سال گذشته صهیونیست‌های اسرائیل سرزمین مردم فلسطین رو اشغال کردند و با زور و کشتار و ددمنشی تمام آن‌ها رو آواره کردند، مردمی که به رغم همه این کشتارها و فشارها هرگز از مبارزه و مقاومت علیه این اشغالگری دست نکشیدند. یاد همه این مردم مقاوم و مبارز گرامی باد!

از زمان یورش صهیونیست‌ها به سرزمین فلسطین، بیش از ۷۵ ساله که مردم فلسطین هرگز روی صلح و آرامش رو به خود ندیدن و در بدترین شرایط ممکن اسیر قدرت اشغالگری گشتن که از هیچ جنایتی هم دریغ نمی‌کنه. از هفتم

اکتبر امسال هم شاهدیم که دولت صهیونیستی اسرائیل دست به بمباران وحشیانه مردم در نوار غزه زده و برای رسیدن به اهداف خودش از هیچ جنایتی کوتاهی نمی‌کند. حتما شنیده‌اید که روز سه‌شنبه ۱۷ اکتبر اسرائیلی‌ها بیمارستانی در غزه را بمباران کردند که در جریان این اقدام وحشیانه بر مبنای گزارشات منتشر شده بیش از ۴۰۰ نفر کشته شدند. این کشتار عامدانه که واقعا با هیچ منطقی جز منطق صهیونیستها قابل توجیه نیست؛ یکی از مرگبارترین حمله‌های هوایی اسرائیل از سال ۲۰۰۸ تاکنون اعلام شده. بیشتر کشته‌شدگان هم بیماران و همچنین کودکان و زنانی بودند که برای فرار از حملات هوایی اسرائیل به این بیمارستان پناه آورده بودند. البته با توجه به شدت وحشی‌گری ارتش اسرائیل در این عمل، دولت اسرائیل فریکارانه این حمله را انکار کرد و آن را کار خود اسلامگرایان فلسطینی مثل مثلا گروه جهاد اسلامی اعلام کرد، البته این ادعا مورد پذیرش هیچ آزادیخواهی که با جنایات اسرائیل آشنائی دارد قرار نگرفت و نمی‌تواند هم بگیرد؛ به خصوص که رئیس سابق موساد در گفتگو با یک شبکه اسرائیلی با صراحت گفته بود که بیمارستانی که سپر انسانی برای فلسطینی‌ها باشد باید نباشد. یعنی بروشنی ارتش اسرائیل برخی بیمارستانها را جز اهداف بمباران‌های خودش قرار داده بود. نمونه دیگری از جنایات ارتش اسرائیل بمباران کاروان مردمی است که به اجبار از شمال غزه خانه و کاشانه خود شون رو ترک کردند و به جنوب غزه می‌رفتند. چون دولت اسرائیل خطاب به مردم شمال غزه اعلام کرده بود که اگر نمی‌خواهید کشته بشوید همین الان خانه‌ها تون و منطقه رو ترک کنید و به جنوب نوار غزه برید. اما همین دولت نژاد پرست کاروان آنها را مورد حملات هوایی قرار داد تا آنجا که به گزارش بی بی سی -که همواره از اسرائیل حمایت می‌کند- بیش از ۷۰ نفر که تعدادی از آنها کودکان خردسال بودند کشته شدند. بی بی سی تأیید کرده که این حمله در خیابان صلاح‌الدین رخ داده که یکی از دو مسیر تعیین شده برای خروج از شمال غزه است. این حمله نشان داد که اسرائیل مثل همیشه حتی به قول و قرارهای خودش هم پای بند نیست.

تاکید کنم که اسرائیل در درجه اول دولتی تنیده شده با امپریالیسم آمریکاست که شدیداً از طرف امپریالیست‌های غربی دیگر مثل انگلیس و فرانسه نیز پشتیبانی می‌شود. همین قدرت‌های امپریالیستی بودند که علیرغم همه خشم افکار عمومی نسبت به جنایاتی که اسرائیل در نوار غزه مرتکب شده و همیشه، چند روز پیش در شورای امنیت سازمان ملل علیه درخواست قطع بمباران غزه رای دادند.

می‌دانیم که درگیری‌های اخیر در هفتم اکتبر به دنبال حمله حماس که یک نیروی بنیادگرای اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی به اسرائیل آغاز شد. در این یورش نیروهای حماس بخشی از دیوار حائل بین غزه با اسرائیل را

تخریب کردن و با موشک باران مراکزی، یعنی مراکزی در مناطق تحت کنترل خود اسرائیل آن‌ها را مورد حمله قرار دادند تا آنجا که به گزارش منابع اسرائیلی ۱۴۰۰ نفر کشته شدند و تعدادی هم توسط حماس به اسارت گرفته شدند البته اسرائیل هر روز تعداد آنها را بیشتر می‌کند فکر کنم الان یک چیزی حدود ۲۱۰ نفر شده‌اند. دولت اسرائیل همین حمله رو بهانه اعلام جنگ با حماس و اعلام وضعیت جنگی در اسرائیل کرد و بمباران غزه و کشتار فلسطینی‌های غیر نظامی رو در دستور کار خودش قرار داد که تا به امروز هم ادامه داره. نوار غزه منطقه‌ای است که بیش از ۲ میلیون نفر فلسطینی که بخش بزرگی از آنها را کودکان فلسطینی تشکیل می‌دهند، در آنجا زندگی می‌کنند. اما به رغم این واقعیت نخست وزیر اسرائیل با بی‌شرمی تمام از خاک یکسان کردن غزه سخن گفت و اصلاً برایش مهم نبود که در جریان این بمبارانها قبل از هر چیز مردم بی‌دفاع کشته می‌شوند.

برای اینکه ابعاد این بمبارانهای ددمنشانه بیشتر روشن بشه تنها اشاره می‌کنم که به گزارش خود ارتش اسرائیل در همان یک هفته اول بیش از ۶۰۰۰ بمب به وزن ۴۰۰۰ تن روی غزه ریخته شده که به گزارش رسانه‌های غربی نزدیک به مجموع بمب‌هائی ست که ایالات متحده آمریکا در طول یک سال در افغانستان علیه مردم این کشور استفاده کرده. من دیگر به جریات محاصره غزه و اینکه اسرائیلی‌ها آب و نان و دارو و سوخت و برق رو به روی مردم این منطقه بستند و تاثیر این محاصره بر زندگی مردم و گرسنگی دادن به کودکان نمی‌پردازم و چیزی نمی‌گویم؛ چون بدون شک در جریان رویدادهای جنگ اسرائیل با مردم فلسطین در غزه هستید و شنیده‌اید که وزیر دفاع فاشیست اسرائیل مردم غزه را حیوانهائی انسان نما نامید که محاصره و بمباران آنها را مواجه جلوه بدهد. بنابراین به تشریح همه آنچه که در اون جا داره می‌گذره نمی‌پردازم و تمرکز بحث رو روی چند نکته قرار می‌دهم که به باور ما شناخت آنها برای درک آنچه امروز در خاورمیانه داره می‌گذره الزامیه.

اولین نکته اینه که دولت صهیونیستی اسرائیل تنیده است با امپریالیسم آمریکا. هر تحلیلی که این واقعیت رو نادیده بگیره قادر به درک سیاستهای اشغالگرانه اسرائیل و امکان تداوم اشغالگری و تجاوزات مکررش به خلق فلسطین نخواهد بود. به واقع اسرائیل از بدو تولدش یعنی از اون موقعی که موجودیت پیدا کرد در ۱۹۴۸ تا امروز عزیز دردانه امپریالیسم آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی غرب بوده و هنوز هم هست. حتما در شبکه‌های اجتماعی در جریان هستید و شنیده‌اید که بایدن رئیس جمهور فعلی آمریکا سالها پیش در دفاع از کمک‌های آمریکا به اسرائیل گفته بود که "اگر اسرائیلی وجود نداشت برای حفظ منافع آمریکا در منطقه باید اسرائیلی می‌ساختیم". چون در زمینه تنیدگی اسرائیل با آمریکا دهها فاکت وجود داره بیشتر به آن نمی‌پردازم. اما تنها نگاهی به عکس

العمل دولت بایدن از ۷ اکتبر امسال تا به حال خود ش تأییدیه بر همین واقعیت. درست با آغاز حمله ارتش اسرائیل به مردم غزه، آمریکا فوراً ناو هواپیمابر "جرالد فورد" رو به نزدیک سواحل اسرائیل فرستاد تا به این وسیله به مهاجمین صهیونیست قوت قلب بده و بایدن هم تأکید کرد که "اسرائیل آنچه را برای دفاع از خود نیاز دارد" حتما دریافت خواهد کرد. بعد هم به رغم بمباران بیمارستانی در غزه توسط اسرائیل و کشتار وحشیانه بیماران و کودکان، به اسرائیل سفر کرد تا هم اعلام کنه که به گفته خودش "اسرائیل تنها نیست" و هم بر این ادعای دروغ و حيله گرانه اسرائیل که بمباران بیمارستان رو تکذیب می کرد صحه بگذاره و مدعی بشود که گویا بمباران بیمارستان مزبور کار اسرائیل نبوده است.

اهمیت درک این موضوع که در پشت اسرائیل امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های غربی دیگر قرار دارند در اینه که تأکید بشه که مردم فلسطین اگر می خواهند به مطالبات برحق خودشون از جمله حق تعیین سرنوشت خویش دست پیدا کنند باید بدانند که دشمنانشان چه نیرو هائی هستند که بدون نابودی سلطه آنها هم به آزادی دست نخواهند یافت. بگذارید من اینجا حالا یک حاشیه بروم و یک اشاره ای بکنم به قضیه مردم خودمان در جریان انقلاب ۱۳۵۷ که دشمن رو با همه چهره هاش نمی شناختند و ما دیدیم که چطور امپریالیستها دار و دسته خمینی رو به عنوان دوست مردم تبلیغ کردند و بر این مردم تحمیل کردند و بعد هم به وسیله آنها چه جنایاتی علیه این مردم که نکردند.

موضوع بعدی که باید بر آن تأکید کنم این واقعه که دستگاه تبلیغاتی

اسرائیل و حامیان امپریالیستش چنین جلوه می دهند که حملات وحشیانه اخیر اسرائیل به مردم غیر نظامی فلسطین به خاطر حملات حماس در ۷ اکتبر یعنی ۱۵ مهر می باشد. اگر شما به رسانه های غربی نگاه کنید همه این رسانه ها، روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ها مملو از این خطه، مملو از اخباریه که این خط رو تعقیب می کنه آن ها با برجسته کردن وحشیگری های حماس و تروریسم بنیاد گرایان اسلامی که یک نیروی مرتجع هستند که ماهیت و اعمالشان هم بر کسی پوشیده نیست، دستان خونین خودشون رو در واقع می خواهند بشورند. در حالیکه همانطور که اشاره کردم جنگ اسرائیل با خلق فلسطین بیش از ۷۵ ساله که ادامه داره و وحشیگری های ارتش اسرائیل را نمی شود با حملات حماس توجیه کرد. اگر به تاریخ شکل گیری دولت اسرائیل نگاه کنیم این دولت حتی زمانی که جریان بنیادگرایی (اسلامی) همچون حماس یا جهاد اسلامی وجود نداشت هیچ روزی نبوده از آن موقع تا حالا که تعدادی از مردم فلسطین را نکشته باشد. برای نمونه صهیونیستهای اسرائیل پس از اعلام موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ کشتار خونین "دیرپاسین" را شکل دادند که به عنوان

یکی از فجیع ترین کشتارهای مردم فلسطین توسط صهیونیستها در تاریخ ثبت شده. در این فاجعه صهیونیست ها از اجساد قربانیان خود شون عکس می گرفتند و در روستاها این عکس ها را پخش می کردند و در اعلامیه های خودشون می نوشتند: "اگر روستاها را تخلیه نکنید به این سرنوشت دچار می شوید". امروز هم از طریق هواپیماهایشان اعلامیه پخش می کنند در غزه و تهدید می کنند که اگر غزه را ترک نکنید کشته می شوید. بنابراین باید دونست که جنگ اسرائیل نژادپرست و اشغالگر با مردم فلسطین امروز شروع نشده، در ۷ اکتبر شروع نشده و ۷۵ ساله که ادامه داره. در تمام این سالها هم آنها مرتکب جنایات وحشیانه ای علیه مردم فلسطین شده اند. فجایعی همچون تل زعتر، صبرا و شتیلا کشتار توده های ستمدیده فلسطینی در اردوگاه پناهندگی "جنین" اینها تنها نمونه هائی از وحشیگری های دولت و ارتش اسرائیل هستند.

مورد دیگری که مایلیم در اینجا باز هم روش تاکید کنم این امر است که دولت اسرائیل با برجسته کردن عملکردهای حماس به عنوان یک جریان بنیادگرای اسلامی، سعی داره خلق فلسطین در غزه را درافکار عمومی با حماس یکی جلوه بده. در حالیکه بخش بزرگی از مردم فلسطین نه تنها اساساً به حماس اعتقادی ندارند، بلکه آنها در غزه بارها علیه سیاستها و عملکردهای استثمارگرانه و سرکوبگرانه حماس و فساد این دار و دسته دست به اعتراض زده اند. تازه، نباید فراموش کرد که حماس خودش زاده سیاستهای دولت اسرائیل. در واقع حماس با کمک اسرائیل و جهت تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین و همچنین به عنوان مانعی در جهت انقلاب و رشد و گسترش نیروهای کمونیست و واقعاً انقلابی در بین فلسطینیان شکل گرفت. خوب وقتی که ما فلسطین و حماس را مساوی هم قرار بدهیم به بهانه کار های حماس این امکان را هم پیدا می کنیم که مثلاً اگر در یک خانه ای در اتریش کسی پرچم فلسطین را از پنجره اش آویزان کرده باشه پلیس برود و او را دستگیر کند. یا اینکه اگر در برلین یک خانمی یک شعار به نفع انقلاب فلسطین روی کاغذ نوشته باشد پلیس آلمان برود و او را دستگیر کند. این نتیجه ای است که امروز نیرو های استثمارگر حاکم از این تبلیغات می گیرند. به هر حال این را داشتیم می گفتم این که حماس خودش زاده سیاستهای اسرائیله ابن واقعیت که اسرائیل حماس را ساخت و پرورش داد، البته امر پوشیده ای هم نیست و امری است که خیلی از طرفداران اسرائیل هم به آن اذعان دارند. به این واقعیت حتی سفیر پیشین آمریکا در عربستان یعنی "چارلز فریمن"، اذعان کرد. او تأیید کرد که "حماس را اسرائیل پدید آورد" و اضافه کرد که: "این نقشه ی «شین بت» (سازمان امنیت ملی اسرائیل) بود که فکر می کرد حماس می تواند سازمان آزادیبخش فلسطین را به حاشیه براند". در این سخنان آشکار است که

صهیونیست های اسرائیلی با این هدف که با کمک افراطیون مذهبی اسلامی بتوانند ناسیونالیسم فلسطینی و نیروهای انقلابی فلسطینی رو به حاشیه برانند و شکست دهند، دست به ساختن حماس زدند. این همان کار و سیاستیه که اربابان آمریکائی آنها در ایران و افغانستان هم کردند. در افغانستان با سازماندهی و تجهیز مجاهدین افغان علیه ارتش شوروی چکار کردند؟ یک نیروئی را علیه آنها ایجاد کردند که با شوروی تحت این پوشش بجنگد . یا در ایران جمهوری اسلامی را جهت سرکوب انقلاب مردم به قدرت رساندند. در آن زمان هم همه آنها می خواستند برای مبارزه با شوروی سابق کمر بند سبزی دور شوروی بکشند که البته نتیجه این سیاست را بیش از چهل سال است ما با پوست و گوشت خودمون داریم احساس می کنیم. امپریالیست ها با سیاست کمر بند سبز- که مبتکرش برژینسکی بود- و روی کار آوردن جمهوری اسلامی، چماقی برای سرکوب مبارزات مردم ایران ساختند که هنوز هم دارند نانش رو می خورند.

به نکته بعدی بپردازم و اون اینه که اسرائیلی ها و ارباب شان آمریکا تبلیغ می کنند که ۷ اکتبر، ۱۱ سپتامبر اسرائیله. حتی صدای آمریکا یک برنامه مخصوص داره که ۷ اکتبر همان ۱۱ سپتامبر اسرائیله . اگر چنین مقایسه ای جایز باشد، باید دانست که سیر رویدادها و هزاران سندی که تاکنون منتشر شده ثابت کرده که واقعه ۱۱ سپتامبر در آمریکا همانطور که چریکهای فدائی خلق از همان ابتدا اعلام کردن بدون پوشش امنیتی محافل قدرتمندی در خود آمریکا امکان پذیر نبود. در آن زمان محافلی در آمریکا برای تکیه هر چه بیشتر بر میلیتاریسم و جنگ و اعلام سیاست "حنگ بی پایان" به یک دستاویز احتیاج داشتند که حمله به برج های دو قلو در نیویورک و حمله به پنتاگون این دستاویز را در اختیار آنها گذاشت تا به راحتی افغانستان را مورد حمله نظامی قرار بدهند، با این ادعا که بن لادن مسئول القاعده -که این عملیات را می گفتند آنها کردند- در افغانستان زندگی می کنه و به این بهانه رفتند و افغانستان را بمباران کردند و فراموش کردند که همین بن لادنی که به خاطرش افغانستان را بمباران کردند بنا به گزارش فیگارو -نشریه فرانسوی- مامور سازمان سیا(CIA) در بیمارستان دبی رفته بود به دیدن او و ملاقات کسی که مثلا این قدر خطرناک بود و تحت تعقیب نیرو های آمریکا بود و به خاطرش افغانستان را بمباران می کردند؛ معلوم شد رابطه تنیده ای هم با سیا دارد. به هر حال این رو می گفتم که با این دستاویز افغانستان را بمباران کردند و بعد هم عراق را به خاک و خون کشیدند. رویداد ۱۱ سپتامبر که به نوبه خودش خیلی هم جنایتکارانه بود، دشمنی به نام تروریسم رو با همه مزایائی که برای امپریالیست ها در بر داره، وارد صحنه سیاست در جهان کرد تا آمریکائی ها هر زمان که لازم داشتند به بهانه آن بر طبل جنگ

بکوبند و علاوه بر همه نعمت هائی که از این طریق برای خود شون کسب می کنند، صنایع نظامی و کارخانه های اسلحه سازی خودشون را هم رونق بدهند.

پس اگر واقعا ۷ اکتبر همان ۱۱ سپتامبر اسرائیله باید دید که -بر اساس اون صحبتی که کردم- کدام محافلی در خود اسرائیل خواهان چنین رویدادی بودند. همانطور که امریکائی ها به بهانه ۱۱ سپتامبر، جنایتکارانه ترین سیاستها رو در خاورمیانه و جهان پیش بردند، حال دولت اسرائیل هم مدعیه که حماس با عملیات ۷ اکتبر آنها را غافلگیر کرده و حال آنها برای مقابله گویا با حماس در صددند خاورمیانه رو تغییر شکل بدهند. درست به این دلیل که آنها هشدار دولت مصر رو در این رابطه نادیده گرفتند که از چند روز قبل از این حمله، حمله حماس به اسرائیل رو به اون ها اطلاع داده بود و مطرح کرده بود که حرکات بزرگی در پیشه. اما اسرائیلی ها توجه نکردند. یعنی منافعشان ایجاب می کرد که توجه نکنند یک مورد دیگه از این بی توجهی ها یا اگر بخواهم به درستی گفته باشم خود را به کری زدن دولت اسرائیل اظهارات مادر یکی از همین سربازان اسرائیلی به نام رونی اشل می باشه که الان هم کسی از سرنوشتش خبر نداره و به همین دلیل هم مادرش به صدا درآمده. این سرباز در کنار حصار بین غزه و اسرائیل نگهبانی می داده. مادر وی می گوید چند روز پیش از حمله حماس این سرباز و همکارهاش اوضاع غیر عادی محل خدمتشون را به مقامات بالاتر گزارش دادند و حال این مادر می پرسد چرا "هیچ کس به هشدار آن ها که اوضاع غیرعادی است گوش نداد". یعنی سربازان اسرائیلی شاهد تحرکاتی بودند در اون طرف دیوار که غیر عادی بود اما رهبران آنها توجه ای به گزارشات آنها نمی کردند!

علاوه بر چنین شواهدی که نشان می دهد که مسئولین دولت اسرائیل پیشاپیش از حمله حماس مطلع بودند، از سوی دیگر ما می دونیم که اسرائیل همواره به قدرت سازمانهای جاسوسی خودش می بالید و حتی گفته می شد که آنها چگونه برخی از مسئولین پروژه اتمی جمهوری اسلامی رو در داخل ایران ترور کردند. خوب چطور می شه چنین سازمانهایی با چنین امکاناتی متوجه تدارکات حماس برای چنین حمله بزرگی آنها در بیخ گوش خودشون نشده باشند؟ و اگر متوجه شدند چرا آنها نادیده گرفتند؟ این واقعیات نشان می دهند که انجام چنین عملیاتی از طرف حماس که آنها یعنی حماسی ها طی آن تعداد زیادی از شهروندان اسرائیلی را به قتل رساندند ، دست اسرائیل را باز می گذاشت تا اون کاری را که با غزه داره می کند را بتواند انجام بده و به قول وزیر دفاع فاشیست اسرائیل " واقعیت را تا نسلها تغییر خواهد داد". فایده دیگر جنایت حماس برای دولت اسرائیل یا به عبارت دقیق تر، فاشیستهای دولت راست افراطی اسرائیل آن بود که آنها در داخل اسرائیل با امواج بزرگی از اعتراض روبرو بودند و حتی صحبت از این بود که نخست وزیر اسرائیل (نتانياهو) را

به خاطر فساد دادگاهی کنند. در این رابطه هم آنها به چنین عملیاتی نیاز داشتند تا با اعلام شرایط جنگی خودشان رو از مخمصه ای که در آن گرفتار بودند، نجات بدهند. به هر حال این هم یکی دیگر از سود های این وضعیت جنگی برای این دولت حاکمه.

اگر توجه کنیم که یکی از سیاستهای همیشگی اسرائیل اشغال خاک فلسطین و ضمیمه کردن اون به قلمرو اشغال شده قبلی می باشه معنی این عربه های با خاک یکسان کردن غزه، و تغییر نقشه خاورمیانه، که مسئولین دولت و ارتش اسرائیل هر روز سر می دهند برایمان ملموس تر می شه . می بینیم که چه کسانی در صداند تا با دستاویز شرایط جنگی پیش آمده قلمرو سرزمین های اشغالی خود شون رو باز هم بیشتر گسترش بدن. بی جهت هم نیست که در مقابل این دندان تیز کردن صهیونیست های اسرائیلی برای اشغال کامل نوار غزه، رئیس جمهور آمریکا -که حالا افتخار می کنه که خودش هم یک صهیونیسته - مجبور شد که رسماً اعلام کنه که : اشغال غزه کار اشتباهی است .

مورد آخری که مایلیم بر اون تاکید کنم این واقعیه که با توجه به حمایتهای آشکار جمهوری اسلامی از حماس و حزب الله لبنان و میلیونها دلاری که این رژیم جنایتکار صرف تقویت این نیرو ها می کنه متأسفانه شاهد گوش های شنوائی در میان مردم خودمان جهت پذیرش تبلیغات صهیونیستها و نژاد پرستان اسرائیلی هستیم من از سلطنت طلبان نمی گویم که رهبرشان برای گدائی حمایت صهیونیست ها به دیوار ندبه پناه برد. منظور من مردمیه که فریب مخالفتهای ظاهری اسرائیل و جمهوری اسلامی را می خورند. این ها چنان خودشان رو اسیر تبلیغات رسانه های ارتجاعی کردند که انگار چشمانشان قادر به دیدن صحنه های بسیار دهشتناک جنایات ارتش اسرائیل علیه مرد و زن و کودکان (فلسطینی) در منطقه غزه نیست. گوئی نفرت بر حقشان از جمهوری اسلامی گوش هایشان رو هم بر این واقعیت بسته که ۷۵ ساله که نژاد پرستهای صهیونیست، سرزمین خلق فلسطین را اشغال و این مردم ستمدیده رو در رنج و غذاب قرار دادند. یعنی از سالها پیش از آن که حماس و جهاد اسلامی و دیگر بنیاد گراهای اسلامی اصلاً ساخته شده باشند و به وجود آمده باشند.

این تیپ ها توجه نمی کنند که از روی تبلیغات ظاهری نباید به تحلیل موضع کشور ها و سیاستهای آنها پرداخت. بلکه برای فهم رویداد ها باید از ظواهر امور گذر کرد و به واقعیت های عینی توجه کرد. مگر فراموش کرده ایم که در جریان جنگ ایران و عراق همین سردمداران جمهوری اسلامی در حالیکه خواهان نابودی اسرائیل بودند و علیه آمریکا شعار می دادند و آمریکا هم مثلاً آنها را

تحریم کرده بود مهماندار هیئت مک فارلین از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا و اسرائیلی هائی بودند که موشک های مورد نیاز ارتش جمهوری اسلامی در جنگ با عراق را برایشان تهیه می کردند. رسوائی مک فارلین که به "ایران گیت" هم معروف شد بروشنی نشان می داد که ریگان و خمینی و بگین -نحست وزیر آن موقع اسرائیل- در واقع اجرا کننده نقش هائی متفاوت در نمابشی بودند که که تماما به نفع آمریکا بود. این واقعیت هارا نباید فراموش کرد و با توجه به همین واقعیتها باید به اون کنه روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل پی برد. مردم ایران باید بدانند که در چهل سال گذشته هیچ نیروئی مثل جمهوری اسلامی به نفع اسرائیل حرکت نکرده پس این شعار های پوشالی و مخالفتهای نمایشی را باید کنار گذاشت و فهمید وقتی جمهوری اسلامی مجری سیاستهای آمریکا در منطقه است پس بدون اجازه ارباب بر خلاف منافع عزیز دردانه آمریکا یعنی اسرائیل یک گام واقعی هم بر نخواهد داشت .

بگذارید این صحبت رو با تاکید بر این واقعیت که آبشخور صهیونیسم و بنیاد گرانی اسلامی همانا امپریالیسم و منافع امپریالیسم می باشد به پایان برسانم. واقعیت اینه که مردم هشیار جهان این امر رو در سازماندهی مجاهدین اسلامی در افغانستان، قدرت گیری جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷، به وجود آوردن داعش، شیوه برخورد با بن لادن و القاعده و دهها مورد دیگر دیده و درک کرده اند. به باور ما صهیونیسم و بنیاد گرانی اسلامی دشمنان قسم خورده خلقهای منطقه اند و دست در دست هم در حال پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا و شرکایش در منطقه و جهان می باشند. بنابراین انقلاب خلقهای منطقه برای پیروزی باید این نیرو ها را آماج حملات خودش قرار بدهد .

ما ضمن تشریح این نکات و مخالفت با صهیونیسم و بنیاد گرایی اسلامی و پشتیبانی از قطع فوری درگیری های کنونی و نسل کشی فلسطینی ها توسط ارتش اسرائیل و لغو محاصره غزه، بر حق تردید ناپذیر خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خودش تاکید داریم. ما همانطور که از دیرباز مطرح کرده ایم راه پایان دادن به ظلم و ستم و جنایاتی که ۷۵ ساله توسط صهیونیست ها بر مردم فلسطین روا می شود، نابودی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم این دشمنان واقعی مردم فلسطین در منطقه می باشد. تنها در این صورته که این توده ها می توانند در کنار هم دیگر، در کنار توده های ساکن در این سرزمین در یک شرایط دموکراتیک آینده خودشون رو در صلح و آرامش بسازند.

به امید همبستگی خلقهای خاورمیانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم برایتان پیروزی آرزو می کنم. به امید اینکه در بخش پرسش و پاسخ زوایای مختلف این

بحث را هر چه بیشتر باز نگری کنیم و رویش متمرکز شویم و به درک های بیشتر و عمیق تری برسیم. پیروز باشید.